



آیات محکم و متشابه

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ.

او کسی است که بر تو کتاب را نازل کرد بعضی از آن، آیات محکم است که ریشه کتابند و بعضی دیگر آیات متشابه هستند (که معنای آنها به ظاهر روشن نیست) پس آن گروه که در دل‌هایشان کجی وجود دارد، از آن آیاتی که متشابه هستند به قصد فتنه و به قصد تأویل آن، پیروی می‌کنند و تأویل آن را جز خدا و استواران در علم نمی‌دانند. می‌گویند: به آن باور داریم همگی از جانب پروردگار ماست و جز صاحبان اندیشه‌ها، یادآور نمی‌شوند.

(آل عمران / ۷)

۱ - آیات محکم. منظور از آن، آیاتی است که معنای آنها به خوبی روشن است و در آن دو احتمال وجود دارد و انسان با مجرد شنیدن آن، معنا را می‌فهمد. مانند: ان الله على كل شيء

در این آیه مطلب مهمی درباره قرآن گفته می‌شود که اساس آن، فهم درست آیات قرآنی است. در این آیه خداوند آیات قرآنی را به دو دسته تقسیم می‌کند:

دانشمندان آنها، با سطح فکر پیشینیان و آیندگان فرق دارد. آیات متشابه قرآن به گونه‌ای است که در هر عصری، هر دانشمندی مطابق با سطح فکر خود از آن استفاده می‌کند و برای او تازگی دارد.

آیات متشابه، به هر شخصی در هر سطح فکر و علمی اجازه می‌دهد که از قرآن استفاده کند و قرآن راه استفاده درست را نیز نشان داده تا کسی منحرف نشود و آن ارجاع آن آیات، به آیات محکم که ریشه قرآن هستند، می‌باشد که در این آیه آمده و دیگر تدبر و اندیشیدن که در آیات دیگر آمده است، با ارجاع متشابهات به محکومات و تعمق و تدبر در آیات قرآنی، انسان می‌تواند به تفسیر و تأویل درست آن آیات دست پیدا کند و به اندازه فهم و گنجایش فکری خود از آن استفاده نماید.

بنابراین، قرآن دو وسیله برای فهم درست آیات متشابه قرار داده: یکی ارجاع به محکومات و دیگری تدبر و اندیشیدن:

اقلا يتدبرون القرآن ام علی

قلوب افعالها (محمد / ۲۴)

قدیر (خدا بر هر چیزی تواناست). این گروه از آیات، اصل و اساس و ریشه قرآن است و به کمک این آیات، آیات دیگری که فهم آنها مشکل است، فهمیده می‌شود.

۲ - آیات متشابه. منظور از آن،

آیات خاصی است که فهم آنها در حله اول مشکل می‌نماید و باید درباره آنها اندیشید و به آیات محکم ارجاع داد و با کمک آیات دیگر و دقت و تعمق، به مفهوم آنها راه یافت. مانند آیه: الرحمن علی العرش استوی که با تعمق و توجه به اینکه خداوند جسم نیست و با توجه به آیات محکمی مانند: لیس کمثله شیء (همانند خدا چیزی وجود ندارد)، روشن می‌شود که منظور از آن، نشستن بر تخت نیست بلکه منظور گستردگی قدرت خدا و تسلط او بر جهان است.

وجود آیات متشابه در قرآن یکی

از ضرورتها در جاودانگی اسلام است.

می‌دانیم که اسلام، دین جاودانه بشر تا

روز قیامت است و جوامع بشری در

طول تاریخ از لحاظ رشد فکری متفاوت

است و در هر عصری سطح فکر مردم و

دیگر تمام آیات آن متشابه معرفی شده: کتاب احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر (هود / ۱).

کتابی است که آیات آن محکم است آنگاه از سوی خداوند حکیم و آگاه تفصیل داده شده.

الله نزل احسن الحدیث کتابا متشابهها (زمر / ۲۳)

خداوند زیباترین سخن را نازل کرد که کتابی متشابه است.

البته می توان گفت که منظور از محکم در آیه سوره هود، استوار بودن قرآن در لوح محفوظ و پیش از نزول آن است. و منظور از متشابه در آیه سوره زمر، شبیه هم بودن آیات قرآنی در بلاغت و صحت و اتقان است ولی به هر حال تمام قرآن به محکم و متشابه بودن توصیف شده است.

پس از تقسیم بندی آیات قرآنی به محکم و متشابه، از سوء استفاده هایی که گاهی بعضی از مفسران از آیات قرآنی می کنند، خبر می دهد. کسانی که در دلهای آنها میل به باطل وجود دارد و غرض ورز و باطل گرا هستند، با یک

آیا در قرآن تدبر نمی کنند یا بر دلها قفلهاست.

با این دو ابزار، مردم هر عصری می توانند نیازهای خود را برطرف سازند و از قرآن و معارف بلند آن مطابق با ظرفیت و سطح دانش خود استفاده کنند. بدینگونه آیات متشابه قرآن سبب شده که قرآن برای همیشه تازه و قابل استفاده باشد.

مطلب بسیار مهمی که در اینجا تذکر می دهیم، این است که تمام آیات قرآنی از یک نظر محکم هستند و از یک نظر متشابه. زیرا وقتی آیات متشابه، به آیات محکم ارجاع داده شد و معنای درست آن به دست آمده تبدیل به محکم می شود. و از سوی دیگر، آیات محکمی که به خودی خود معنای روشنی دارد، اگر با آیات دیگری - چه محکم چه متشابه - ترکیب گردید، معنای جدیدی به دست می دهد که به تنهایی آن معنا را نمی داد و لذا از این نظر می توان آن را متشابه خواند.

جالب اینکه در قرآن کریم در یکجا تمام آیات قرآنی محکم و در جای

هدف شیطانی دنبال آیات متشابه می‌روند همان آیاتی که فهم آنها با تدبر و تأمل میسر است و وجوه مختلفی دارد آنها برای دو هدف چنین می‌کنند: نخست اینکه می‌خواهند فتنه‌انگیزی کنند و دیگر اینکه می‌خواهند آیات قرآنی را از معانی درست آن به معانی نادرستی تأویل و تفسیر کنند.

این افراد، برای خود افکار و اندیشه‌های پیش ساخته‌ای دارند و می‌خواهند از آیات قرآنی برای افکار خود دلیلی بتراشند و اندیشه‌های خود را به قرآن تحمیل کنند. از این رو سراغ آیات متشابه می‌روند که تاب معانی گوناگونی را دارد و آنها را مطابق با افکار باطل خود تفسیر می‌کنند و بدینگونه در جامعه فتنه‌انگیزی می‌نمایند. از این‌گونه افراد و گروهها بخصوص پس از رحلت پیامبر اسلام که عقاید گوناگون و فرقه‌های مختلف در جامعه اسلامی به وجود آمد، فراوان دیده می‌شود. گروههایی مانند خوارج و قدریه و مرجئه و بعدها معتزله و حشویه و اشاعره همواره اندیشه‌های خودساخته

خود را به آیات قرآنی تحمیل می‌کردند. در حالی که یک مسلمان راستین همواره باید خود را تسلیم و سرسپرده آیات قرآنی کند و هر چه به دور از جنجالهای تبلیغی و گروه‌گرایی، از قرآن به دست آمده، از آن پیروی کند.

اینها آیات قرآنی را مطابق با مذاق خود تأویل می‌کنند در حالی که تأویل قرآن از عهده هر کسی بر نمی‌آید و تنها خدا و کسانی که در علم و دانش استوار هستند، تأویل قرآن را می‌دانند. راسخان در علم همان کسانی هستند که تسلیم آیات قرآن هستند و با ایمانی محکم و علمی راسخ و به کمک آیات محکم قرآن و با تدبر و تعمق و به دور از هر نوع غرض‌ورزی، آیات قرآن را تأویل و تفسیر می‌کنند. خداوند چنین اشخاصی را یاری می‌کند و بینش آنها را تند و تیز می‌سازد و از نور قرآن دلها و اندیشه‌های آنها را روشن می‌کند.

در این قسمت از آیه که می‌فرماید: و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم، به عقیده ما کلمه راسخون عطف به الله است و معنای آیه

درستی نیست زیرا مفهوم آن این است که حتی پیامبر اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام و اصحاب پیامبر هم تأویل آن آیات را نمی دانستند و این سخن نمی تواند درست باشد و اگر چنین باشد، آیات متشابه لغو و بیهوده خواهد بود و گفتن اینکه حتی خود پیامبر تأویل آیات متشابه را نمی دانست، سخن نابجایی است و اساس قرآن را زیر سؤال می برد و آیات قرآنی را به صورت لغزها و معماها نشان می دهد.

این در حالی است که از صدر اسلام تا کنون پیامبر و ائمه و اصحاب پیامبر و تابعین همواره تمام آیات قرآن را تفسیر و توجیه کرده اند و هرگز درباره آیه ای نگفته اند که این آیه از متشابهات است و ما معنای آن را نمی دانیم.

لازم به ذکر است که درباره محکم و متشابه و تأویل، بحثهای گسترده ای وجود دارد که در این مختصر نمی گنجد.

چنین است که تأویل قرآن را جز خدا و راسخان در علم کس دیگری نمی داند که مفهوم آن این است که راسخان در علم تأویل قرآن و آیات متشابه را می دانند و جمله ای که پس از این آمده (یقولون آما به) حال برای راسخان است یعنی آنها در عین حال که تأویل آیات را می دانند، می گویند: ما به آن ایمان آورده ایم و همگی از جانب پروردگار ماست.

بعضیها کلمه (والراسخون) را عطف بر (الله) نمی گیرند، بلکه آن را جمله جدیدی می دانند و در نتیجه، این آیه را چنین معنا می کنند: تأویل آیات را فقط خدا می داند و اما راسخان در علم، آنها از سر تسلیم می گویند ما به آن ایمان آورده ایم و همگی از جانب پروردگار ماست. مفهوم این برداشت چنین است که حتی راسخان در علم هم تأویل آیات متشابه را نمی دانند و آن در انحصار خداوند است.

ما معتقدیم که این معنا معنای